گزارش کیهان از کارنامه ۴ساله دولت یازدهم در عرصه آموزش عالی

کلیدی که در قفل «دانشگاه» شکست!

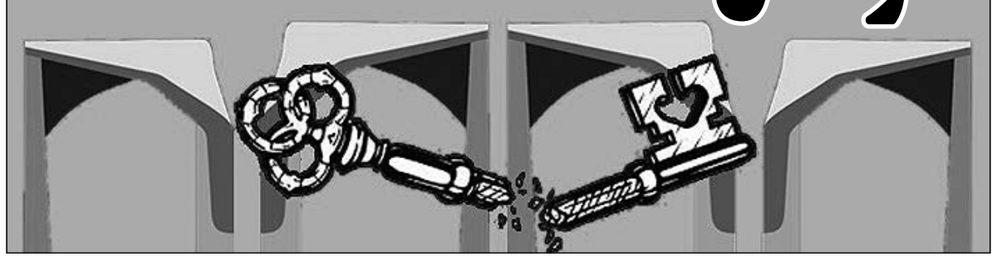

سرویس علمی/آموزشی-

چهار سال زمان کمی نیست؛ چه آنکه می‌توان در این مدت، طرحی نو درانداخت و منشـأ اثر بود یا طی آن، داشته‌ها را هم ویران کرد و به نداشته بدل نمود!

اتمسـفر آمـوزش عالی کشـور تا پیـش از خـرداد ۹۲، اگرچه کم‌وکاستی‌های فراوانی داشت اما با نشاط بود؛ رشد علمی داشت؛ امیدوار به آینده بود و به دور از سیاست‌زدگی، کنشگری فعال محسوب می‌شد. امروز اما اگر از تک تک دانشـجویان و دانشگاهیان درباره مشکلاتشان بپرسیم، جز نشان گله‌مندی در چهره‌هایشان، پاسخی نخواهیم یافت!

رخوت، رکود علمی، ناامیدی و سیاسـی‌بازی؛ واژه‌هایی است که در سالیان اخیر با دانشگاه و دانشگاهیان عجین شده و هیچ نشانی از بهبود اوضاع دیده نمی‌شود.

اگرچه دولت تدبیر و امید در ابتدای کار با شعار بازگشت آرامش به دانشـگاه، پای به رقابت‌های انتخاباتی گذاشت اما با معرفی گزینه‌هایی تصدی وزارت علوم، نشـان داد که در اقدامی کاملاً مغایر با وعده‌های اولیه‌اش، دانشگاه را با میدان جنگ اشتباه گرفته است!

همین رویکرد سبب شد که تا به امروز هیچ ناظر منصفی، از اوضاع صنفی، آموزشی، سیاسـی و... در آموزش عالی رضایت نداشته باشد و نسبت به تداوم این روند در دانشگاه‌های کشور، احساس خطر کند.

حال با توجه به پایان یافتن مهلت قانونی زمامداری در دولت یازدهم، می‌توان کارنامه دولت در عرصه آموزش عالی را به نظاره نشست و درباره قبولی یا مردودی آن قضاوت نمود:

دروغی به نام «۳هزار بورسیه غیرقانونی»!

از همـان ابتـدای روی کار آمدن دولت یازدهم، دسـتور کار تیم مسـئله دار آموزش عالی به سرپرسـتی «جعفر توفیقی»، بهانه یابی به هر قیمت، برای لجن مال کردن دولت سـابق بود. گروه حاشیه دار پشت‌پرده وزارت علوم اما طبق یک برنامه مدون و از پیش طراحی شده، سـناریوی «۳۰۰۰ بورسیه غیرقانونی» را کلید زد و بی‌توجه به بازی با آبروی هزاران دانشـجوی نخبه کشور، فضای آرام دانشگاهیان کشور را به یکباره متشنج نمود.

رادیکالیزه کردن فضای علم و دانش توسط مدعیان تدبیر و امید به حدی بود که «ایوب آقایی» دانشجوی بورسیه و نخبه دانشگاه کاشان، از شدت فشارهای روانی و مشکلات تحصیلی ناشی از جنجال دروغین بورسیه‌های غیرقانونی، دست به خودکشی زد و به عمر خود پایان داد!

اگرچه جو ناجوانمردانه تاخت و تاز تا ماه‌ها علیه دانشـجویان نخبه کشـور، برپا بود اما وزارت علوم پس از بررسـی‌های دقیق و با نظارت نهادهای قضایی، با صدور اطلاعیه ای، تنها پرونده ۳۶ نفر از آمار اولیه ۳۷۷۲ بورسیه غیرقانونی را مسئله دار تشخیص داد و بی‌هیچ عذرخواهی از ۳۷۳۶ نخبه‌ای که اعتبار و آبروی ایشـان را بازی گرفته بود، ظاهراً غائله را ختم نمود!

پس از این اطلاعیه اما نه تنها کماکان مشکلات دریافت حقوق پژوهانه و جابایی این تعداد از نخبگان کشـور در دانشـگاه‌ها، پابرجاست بلکه علیرغم اثبات حقانیت و مظلوم واقع شدن دانشجویان بورسیه، از طرفی رئیس‌دولت یازدهم، همچنان بانگ «بورسیه و ما ادراک مالبورسیه» سر می‌دهد و در طرف دیگر محمود صادقی نماینده اصلاح‌طلب و حاشـیه ساز مجلس دهم، کماکان بر تکرار دروغ غیرقانونی بودن بورسیه شدگان، اصرار می‌ورزد!

پس از آن بود کـه رهبری فرزانه انقلاب در مذمت این هوچیگری وزارت علوم، در جمع اسـاتید دانشگاهی فرمودند: «یکی از غلط‌ترین کارهایی که در این یکی دو سال اخیر اتّفاق افتاد، این مسئله بورسیه‌ها بود. اگر راست هم بود این حرف -که البتّه بعد تحقیق کردند، معلوم شد به آن شکل، راست هم نیست - راهش این نبود که ما مسئله را روزنامه‌ای کنیم. علاوه بر اینکه به خیلی‌ها ظلم شد؛ این کار، هم خلاف تدبیر بود و هم خلاف اخلاق بود؛ آن‌وقت مدام دم از اخلاق هم می‌زنند. توبه‌فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند! این کار اخلاقی بود؟!» (۱۳ تیر ۹۴)

«رشد علمی» در سراشیبی سقوط!

شـاید اگر دشمنان نظام و ملت تصمیم می‌گرفتند که در چارچوب برنامـه‌ای خرابکارانه، رشـد علمی اعجاب آور ایـران را متوقف کنند، دهها سـال به طـول می‌انجامید؛ امـا دولت یازدهم بـا بی‌تدبیری و حاشیه‌سازی‌هایش در اداره آموزش عالی، نشان داد که نه حتی تا پایان دوره ۴ سـاله، بلکه تنها در عرض یک‌سـال پس از روی کار آمدنش، می‌تواند رشد علمی کشور را در سراشیبی سقوط قرار دهد!

اگرچه مسئولان وزارت علوم سعی کرده‌اند سنگینی بار اتهام کاهش شتاب رشد علمی را از دوش خود بردارند اما آمارها خلاف ادعای مدیران آموزش عالی در دولت راستگویان را به معرض می‌گذارد!

بنا بر آمار مسـتند، در اوایل دهـه ۹۰ میلادی، ۰/۰۳ درصد تولید علم دنیا از آن جمهوری اسـلامی ایران بوده است. این میزان در اوایل دهه ۸۰ شمسی، به ۰/۲ درصد ارتقا پیدا کرده و سهم حال حاضر ما در تولید علم جهانی، به ۱/۵ درصد رسیده است. رشد علمی ایران در بازه ۱۰ سـاله (۲۰۱۲- ۲۰۰۳) حیرت بسیاری از جهانیان و صاحبان علم و اندیشـه را برانگیخت و تحلیل‌های مختلفی را درباره آینده علمی و فناوری ایران در سطح بین‌المللی مطرح کرد. تحلیل‌هایی که پیش‌بینی

می‌کرد ایران در سال ۲۰۱۶، به یکی از ده قدرت برتر تولید علم جهان تبدیل خواهد شد.

برآوردهای جهانی نشان می‌داد که ایران تا سال ۲۰۱۸ رتبه چهارم دنیا از نظر تولید علم خواهد شـد. با این حال، امروز شاهد آن هستیم، ایران در نمایه Scopus رتبه ۱۶ جهان و در رده‌بندی I.S.I رتبه ۲۱ دنیا را به خود اختصاص داده است! این بدین معنی است که سرعت رشد علمی کشور طی چهار سال گذشته به طرز وحشتناکی، پله‌های نزول را یکی پس از دیگری پیموده اسـت! جالب اینجاست که افت علمی کشورمان به حدی بود که در سـال ۲۰۱۵، دولت کلیدداران توانست رکورد رشد منفی ۸/۵ درصد را برای نخستین بار در تاریخ علم و فناوری ایران، به ثبت برساند!

همین نزول فاحش علمی، موجب شد تا رهبر حکیم انقلاب، نسبت به تداوم این روند غلط، اظهار نگرانی کرده و مسئولین آموزش عالی را مورد خطاب قرار دهند: «من دارم می‌بینم؛ سـرعت رشد ما کم شده. ما امروز احتیاج داریم به اینکه این رشـد را سرعت ببخشیم. ما عقبیم. سرعت رشد را باید افزایش بدهیم. این را من مطالبه می‌کنم؛ من بارها در خصوص کاهش سرعت رشد علمی تذکر دادم زیرا سرعت کم شده است و برای جبران فاصله عقب‌ماندگی علمی، چاره‌ای جز افزایش سرعت رشد وجود ندارد.» (۲۹ خرداد ۹۵)

«تغییرات فله‌ای» در آموزش عالی!

اگرچه پس از رفت و آمد دولت‌ها با علایق و سلایق سیاسی گوناگون، جابجایی مدیران در تمامی حوزه‌ها، امری اجتناب ناپذیر و طبیعی به نظر می‌رسد اما یکی از شاخص‌های اصلی در پیشرفت‌های علمی و آموزشی، موضوع «ثبات مدیریت» است. با توجه به توفیقات قابل ملاحظه مدیران آموزش عالی در دولت گذشـته و همچنین سخن به حق رئیس‌نوسفر دولـت یازدهم که در ۲۷ خرداد ۹۲ گفته بود: «ما گفتیم کلید داریم، نگفتیم داس داریم؛ از همه عزیزان و مدیرانی که هشـت سـال کار و تلاش کردند و شایسته هستند استفاده می‌کنیم.»؛ انتظار آن می‌رفت که دولت تازه روی کار آمده تدبیر و امید، حداقل دست مدیران میانی و عملیاتـی - و نه صرفاً عالی - دانشـگاهی در دولت قبل را به گرمی بفشـارد و با در پیش گرفتن مشی معتدلانه و فراجناحی، موفقیت‌های آموزش عالی را استمرار بخشد؛ غافل از اینکه نوکلیدداران پاستور، نه با داس بلکه با بولدوزر به جان آموزش عالی کشور افتاده اند!

از همان نخستین روزهای جلسات رأی اعتماد نمایندگان مجلس نهم به وزرای پیشنهادی کابینه تدبیر و امید، قابل پیش‌بینی بود که وزارتخانه‌های انسان‌سازی چون آموزش و پرورش و علوم، به یکی از مناقشـه برانگیزترین موضوعات میان مجلسیان و دولتمردان تبدیل شـود، که این گونه نیز شد و محمدعلی نجفی و جعفر میلی منفرد در اولین گام از راهیابی به کرسـی ریاست وزارتخانه‌های متبوعشان بازماندند.

در ایـن میان امـا اوضاع در وزارت علوم بی‌وزیـر به گونه‌ای دیگر پیـش رفت و رأی «مخالف» نمایندگان به وزارت میلی منفرد، نه تنها تمامیت‌خواهی تیم پشت پرده تغییر در دانشگاه‌ها را تعدیل نکرد بلکه ایشـان را برای پیشبرد هرچه سریع‌تر اهداف معلق مانده‌شان، جری‌تر نمود!

از همین رو بود که پیش از خشکیدن توقیع حکم سرپرستی جعفر توفیقی - مسئول ستاد دانشـگاهیان میرحسین موسوی در انتخابات ۸۸ - توسط رئیس‌دولت راستگویان، پروژه ضربتی پاکسازی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از وجود هرگونه وابسته عقیدتی به جریان ارزشی انقلاب اسلامی، کلید زده شد!

توفیقی در ۷۲ روز سرپرسـتی خود توانست رؤسای دانشگاه‌هایی مانند علامه طباطبایی، صنعتی اصفهان، یاسوج و ... را تعویض کند.

با رأی اعتماد نمایندگان خانه ملت در ۵ آبان ۹۲، این بار اما درفش تغییرات اتوبوسی در دانشگاه‌ها به دست «رضا فرجی‌دانا» افتاد.

اگرچه رئیس‌اسبق دانشگاه تهران در دولت اصلاحات، اسماً به عنوان وزیر علوم اعتدالیون شناخته می‌شد، اما انتصاب معنی‌دار نام‌های آشنایی چون میلی‌منفرد و توفیقی در رأس کلیدی‌ترین پسـت‌های وزارتخانه، موجب شد که سیاسـت‌های کلی آموزش عالی کشور، رسماً بر همان پاشنه‌ای که مجلسیان از آن حذر داشتند، بچرخد!

دیرهنگامی نپایید که از مسـئولان ستادی و مدیران ارشد و میانی وزارت علوم گرفته تا رؤسای دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و حتی کارمندان جزء، یکی بعد از دیگری قلع و قمع می‌شدند و عناصر معتدل - بخوانید تجدیدنظرطلب! - جای ایشان را تسخیر می‌نمودند!

آمارها حاکی از آن است تنها در ۹ ماهه نخست روی کار آمدن دولت یازدهم، رکورد حیرت انگیز «هر ۱۰۰ سـاعت، یک تغییر» در آموزش عالی به ثبت رسید!

«هالیدی فرهنگی» در دانشگاه!

رصد حال و روز معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، طی ۴ سال اخیر نشـان از آن دارد که معاون محترم و سایر مسئولین ذی‌ربط آن،

*** اگرچـه دولت تدبیر و امید در ابتدای کار با شعار بازگشت آرامش به دانشگاه، پای به رقابت‌های انتخاباتی گذاشـت اما با معرفی گزینه‌های تصدی وزارت علوم، نشان داد که در اقدامی کاملاً مغایر با وعده‌های اولیه‌اش، دانشگاه را با میدان جنگ اشتباه گرفته است!**

نه تنها فعالیت ویژه‌ای را در حوزه فرهنگی دانشـگاه‌های کشور صورت نداده‌اند که تنها تمرکز و تلاش خود را بر بازی‌های بی‌ثمر سیاسـی و جناحی در دانشگاه‌ها معطوف داشته‌اند!

عبارت فوق شـاید در نگاه نخسـت، قضاوتی خارج از دایره انصاف محسوب شـود اما شـواهد امر از آن حکایت دارند که مدعای رخوت فرهنگی موجود در دانشگاه‌های کشور، نه تنها سخنی به گزاف نیست که بالعکس، بازتابی واقع بینانه از جو سنگین و اتمسفر کسل‌کننده در بین دانشجویان کشور را نشان می‌دهد!

بـا رجوع به تارنمای معاونت فرهنگـی و اجتماعی وزارت علوم به نشانی «farhangi.msrt.ir» با انبوهی از اخبار، اظهارنظرات و تصاویر متعدد سـیدضیاء هاشمی، معاون فرهنگی وزارت علوم مواجه خواهیم شد که علی الظاهر از پویایی و به‌روزرسانی دائم وبسایت مذکور حکایت دارد، اما ساده لوحانه خواهد بود که قضاوت در این باره را تنها در انعکاس مجدد چند خبر و نقل قول خلاصه کنیم چراکه رسالت فرهنگی وزارتخانه‌ای چون علوم و تحقیقات بسیار فراتر از مواردی اینچنینی است.

از سوی دیگر، با توجه به سبقه کوه‌سازی از کاه اعتدالیون و اعتماد به نفس بالای ایشان در بزرگنمایی خدمات، نابجا نیست که توقع داشته باشیم اقدامات صورت گرفته در حوزه فرهنگی وزارت علوم، به صورتی مفصل و مبسـوط یا حتی اغراق آمیـز(!) در تارنمای‌های زیرمجموعه معاونت فرهنگی آن وزارتخانه منعکس شده و به اطلاع عموم دانشجویان و دانشگاهیان کشور برسد.

در همین زمینه، در ذیل نوار «لینک‌های مرتبط» از سایت معاونت فرهنگی وزارت علوم، به وبسایت‌های تحت نظر این معاونت اشاره شده است که بررسی یک به یک آنها می‌تواند دورنمایی بهتر از فعالیت‌های فرهنگی صورت گرفته در دانشگاه‌های کشور را منصه ظهور بگذارد:

۱- «درگاه فرهنگی»؛ به نشانی «dnva.ir»: این سایت را می‌توان در حکم ورژنی دیگر از تارنمای معاونت فرهنگی وزارت علوم دانسـت که تنهـا به انعکاس اخبار و نقل و قول‌هـای معاون وزیر در امور فرهنگی می‌پردازد. ضمن آنکه آخرین به‌روزرسانی آن به اسفند ۹۵ باز می‌گردد.

۲- «دفتر سیاسـت‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی»؛ به نشانی «scp.msrt.ir»: متأسفانه این سایت از دسترس خارج است!

۳- «دفتر امور فرهنگی و اجتماعی»؛ به نشـانی «dof.ir»: متأسفانه این سایت از دسترس خارج است!

۴- «کانون‌هـای فرهنگی و هنری»؛ به نشـانی «kanoonha.net»: متأسفانه این سایت از دسترس خارج است!

۵- «کرسی‌های آزاد اندیشی»؛ به نشانی «korsiha.ir»: جدای از اینکه در این سـایت تصاویر و نقل قول‌های متعددی از دکتر روحانی، سـید ضیاء هاشمی، جعفر توفیقی و...، دیده می‌شود اما گویا دست‌اندرکاران این تارنما هنوز متوجه نشده‌اند که بر سردر این وبسایت کماکان، پیام مقام معظم رهبری در نامگذاری سـال ۹۴ به عنوان سـال «دولت و ملت، همدلـی و همزبانی» خودنمایی می‌کند! به علاوه اگرچه آخرین بروزرسـانی این سایت کاملاً تعطیل مربوط به بهمن ماه سال ۹۲ است اما باعث شرمسـاری و سـرافکندگی است که بگوییم با مراجعه به زیر بند «کرسی‌های برگزار شده» از بند «فعالیت ها»، درخواهیم یافت که هنوز آمار مربوط به کرسی‌های آزاد اندیشی برگزار شده در دی ماه ۹۰، یعنی دوره زمامداری دولت دهم بر خروجی سایت قرار دارد و این همه در حالی اسـت که از جمله تأکیدات موکد رهبری انقلاب در مقولات دانشـگاهی، توجه بیش از پیش به برپایی کرسی‌های آزاد اندیشی در سطح دانشـگاه‌های سراسر کشور می‌باشد که مع الأسف با بی‌اعتنایی محض مسئولان فرهنگی آموزش عالی در دولت یازدهم مواجه شده است!

*** رخوت، رکود علمی، ناامیدی و سیاسـی‌بازی؛ واژه‌هایی اسـت که در سالیان اخیر با دانشگاه و دانشـگاهیان عجین شده و هیچ نشانی از بهبود اوضاع دیده نمی‌شود و اگر از تک تک دانشجویان و دانشگاهیان درباره مشکلاتشان بپرسیم، جز نشان گله‌مندی در چهره‌هایشان، پاسخی نخواهیم یافت!**

۶- «فعالیت‌های قرآنی»؛ به نشـانی «quranmsrt.ir»: متأسفانه این سایت از دسترس خارج است!

۷- «سـتاد زیارت»؛ به نشانی «zaaer.ir»: این سایت کاملاً تعطیل بوده و آخرین بروزرسانی آن به آبان‌ماه ۹۳ باز می‌گردد!

۸- «شبکه جشنواره دانشجویان ایران»؛ به نشانی «iusfestivals.ir»: متأسفانه این سایت از دسترس خارج است!

در جمع بندی نهایی می‌توان اظهار داشت که از ۸ وبسایت زیر مجموعه معاونت فرهنگـی وزارت علوم، ۷ تارنما به‌طور کامل غیرفعال بوده و تنها یک وبسایت بروزرسانی می‌گردد و این همه در حالی است که تمامی این وبسایت‌ها تا پیش‌از روی کار آمدن دولت راستگویان، با استقبال بی‌سابقه دانشجویان و دانشگاهیان کشور همراه بوده و همواره بروزرسانی می‌شدند!

ردپای فتنه در «دستورالعمل جدید انضباطی» دانشجویان!

یکی دیگر از تلاش‌های زیرپوسـتی تیم مسئله‌دار حاضر در وزارت علوم، «دستورالعمل اجرایی رسیدگی به تخلفات انضباطی دانشجویان» است که به یکباره و به کلی تغییر یافت و در چشم بر هم زدنی توسط سازمان امور دانشجویان به دانشگاه‌های سراسر کشور ابلاغ شد!

در نگاه نخست شاید صرف تغییرات در دستورالعمل‌های انضباطی دانشـجویان، بلاشکال به نظر آید اما لازم است بدانیم که از اواخر دهه ۷۰ و پس از رویداد فتنه ۱۸ تیر ۷۸، توجه بسیاری از دشمنان و معاندان نظام به سـمت و سوی دانشگاه‌های کشور معطوف شد؛ لذا بی‌توجهی نسبت به بازدارندگی قوانین انضباطی می‌تواند زمینه ساز شکل گیری تهدیدات جدید علیه نظام، آن هم در قلب دانشگاه‌های کشور باشد!

تغییر شیوه نامه انضباطی دانشجویان مصوب سال ۱۳۸۸، از ابتدای روی کار آمدن دولت جدید مطرح شد که نهایتاً در اردیبهشت ماه سال ۹۵، به امضای وزیر علوم رسید. سؤالی که در این بین خودنمایی می‌کند آن است که به راستی چه ایراد و اشکالی در این دستورالعمل انضباطی وجود دارد که با واکنش‌های بسیاری مواجه شده است؟! در ادامه اما به نمونه‌هایی از این ایرادات و شائبه‌های پرشمار این دستورالعمل انضباطی اشاره خواهیم داشت:

۱) در تبصـره بنـد ۱۱ این دسـتورالعمل آمده اسـت: «در مورد دانشجویان دختر، در صورت قطعی شدن حکم مشتمل بر محرومیت از خوابگاه، مراتب به ولی، سرپرست یا همسر دانشجو اطلاع داده شود.»!

شایان ذکر است که تبصره مذکور، نه تنها در تعارض آشکار با تبصره ۷ از ماده ۷ آیین نامه انضباطی مصوب شـورای عالی انقلاب فرهنگی اسـت بلکه این دسـتورالعمل در یک تبعیض جنسیتی آشکار، فقط و فقط در مورد دختران دانشجو -و نه دانشجویان پسر!- اطلاع رسانی به سرپرست را جایز دانسته است!

۲) در بند ۹ از این دستورالعمل نیز می‌خوانیم: «صدور حکم انضباطی از بندهای ۹ الی ۱۸ درخصوص دانشجویانی که کلیه واحدهای درسی خود را گذرانده‌اند، موضوعیت ندارد.»!

جالب اینجاست که بخش «هـ» از ماده ۱ آیین‌نامه انضباطی مصوب شورای‌عالی انقلاب فرهنگی صراحتاً اعلام داشته است: «زمان تحصیل دانشـجو، با زمان ثبت نام اولیه در دانشگاه آغاز شده و با اخذ مدرک یا گواهی موقت یا انصراف یا اخراج خاتمه یافته تلقی می‌شود.» یعنی اینکه شخص مادامی که دارای شماره دانشجویی تعریف شده در سیستم آموزش عالی است و دانشنامه خود را از دانشگاه دریافت نکرده، دانشجو محسوب شده و تابع قوانین انضباطی دانشگاه‌ها است. این درحالی‌است که بند فوق الذکر در تضاد کامل با آیین نامه مصوب شورای‌عالی انقلاب فرهنگی است!

۳) یکی دیگر از تناقضات محتوایی این دستورالعمل آنجایی است که اصل ۸ (اصل محرمانگی) عنوان می‌دارد: «هرگونه انتشار جریان دادرسی انتظامی از بدو تعقیب تا ختم حکم ممنوع است.» این درحالی‌است که همزمان، اصل ۱۴(اصل شفافیت) عنوان می‌کند: «دانشجو باید از کلیه مراحل رسـیدگی مطلع و حق دسترسی آزاد به اوراق پرونده را داشته باشد.»

حال سؤال اینجاست که آیا دانشجوی متخلفی که طبق اصل شفافیت، می‌تواند در جریان جزء به جزء مراحل رسـیدگی به پرونده اش باشد، نمی‌تواند اصل محرمانگی را نقض نموده و اطلاعات جریان دادرسی را از باب مظلوم‌نمایی و غوغاسالاری در اختیار رسانه‌ها قرار دهد؟!

۴) در بندهای «ب» و «پ» از اصل ۱۵ دستورالعمل مذکور، موسوم به اصل عدم تجسس، آمده است: «در تحقیق از دانشجو، رعایت حریم خصوصی وی (خوابگاه و خانه‌های دانشـجویی) الزامی است. همچنین دبیر شـورا در خصوص تخلفات غیرمشهود و همچنین در مورد اعمال منافی عفت مجاز به تحقیق نمی‌باشد.»!

در ایـن خصوص نیز باید گفت که با توجه به اصل عدم تجسـس، دانشجوی متخلف می‌تواند به بهانه اصل ۱۵ و در مأمنی به نام خوابگاه، هر اقدام ناهنجار، غیرقانونی یا حتی منافی عفت(!) را مرتکب شود، اما احدی حق پیگیری و رسیدگی به آن را نداشته باشد!

در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت که دستورالعمل فوق الذکر، نه تنها عادلانه نبوده و حقوق دانشجویی را تأمین و تضمین نمی‌کند بلکه از سوی دیگر زمینه را برای شانتاژهای تبلیغاتی درخصوص پرونده‌های سیاسی دانشگاه‌ها نیز فراهم می‌آورد!

به بهانه عتاب اخیر رهبر انقلاب درباره اجرای سند ۲۰۳۰

وقتی آینده‌سازان ایران پیشکش لیبرالیسم می‌شوند!

بیستم آذرماه ۹۵، دولت از «سند ملی‌آموزش ۲۰۳۰» رونمایی کرده بود. این مراسم با حضور محمد فرهادی وزیر علـوم، تحقیقات و فناوری، فخرالدین احمـدی دانش آشـتیانی وزیر آموزش و پرورش،شهیندخت‌مولاوردی معاون رئیس‌جمهوری در امور زنان و خانـواده و جمعی از مسـئولان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشـکی برگزار شد.

سند مذکور که الگوی بومی شده و بازتاب آرمان‌های اهداف توسـعه غربی می‌باشد که تحت عنوان «سـند جهانـی آموزش ۲۰۳۰» به تصویب یونسکو رسیده و توسط برخی از مسئولان عالی آموزش کشـور امضا شده است و متأسفانه به دنبال جهت‌دهی جهانی نظام آموزشی کشورها در تمامی سطوح می‌باشد.

اما اکنـون بعد از بی‌توجهی نماینـدگان مجلس و همچنین شـورای عالی انقلاب فرهنگی که منجر به اجرایی شـدن این سـند ضدفرهنگی شـده است مقام معظم رهبری با ابراز گلایه فراوان خود از خطرات این سند پرده برداشتند.

رهبر معظم انقلاب یکشنبه گذشـته در دیدار با معلمان که به مناسـبت هفته معلم برگزار شد به شدت از سیاست‌های در پیش گرفتـه دولت در خصوص سیاسـت‌های آموزشـی و اجرا نشدن سند تحول نظام آموزشی انتقاد کردند.

ایشان با اشاره به امضای سند ۲۰۳۰ فرمودند: «این سند ۲۰۳۰ یونسکو و از این قبیل، چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند زیر اینها شانه قرار بدهد و تسلیم شود. به چه مناسبت یک مجموعه به‌اصطـلاح بین‌المللی که قطعاً تحت نفوذ قدرت‌های دنیاست، این حق را داشته باشه که برای ملت‌هـای دنیا بـا فرهنگهای مختلف، تکلیف مشـخص کند؟ اصـل کار غلط اسـت. اینکه ما برویم سندی را امضا کنیم و بعد هم بیاییم بی‌سروصدا آن را اجرا کنیم؛ نخیر! مطلقاً مجاز نیست؛ ما اعلام کردیم.»

ایشـان در ادامه با انتقاد از شـورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: «بنده از شورای عالی انقلاب فرهنگی هم گله‌مند هستم. آنها باید مراقبت می‌کردند و نباید می‌گذاشتند که کار به اینجا بکشـد که ما بیاییم و جلـوی ایـن کار را بگیریم. اینجا جمهوری اسلامی است.»

در این گـزارش به طور اختصار به آسـیب‌های موجود این طرح که منجر به غلبه لیبرالیسـم فرهنگی بر سـاختار آموزشی کشور می‌شود، خواهیم پرداخت.

سازمان ملل ابزاری برای پیشبرد اهداف نظام سـلطه جهانی و مبنای یونسـکو تفکر لیبرالِ غرب می‌باشد و با تفکر اسـلامی در تضاد اسـت. همچنین با اسـتناد به سند منتشر شده از سوی پنتاگون، یونسکو طبق دکتریـن امنیت ملـی آمریکا، جزو بازوان اجرای سیاسـت‌های آمریکا در سایر کشـورها به شمار می‌رود و دستورالعمل‌های اصلی خود را از این مرکـز دریافت می‌کند، که تازه‌ترین مورد آن سـال ۲۰۱۱ توسـط اوباما رئیس‌جمهور آمریکا ابلاغ و در سال ۲۰۱۵ با حضور و سـخنرانی میشل اوباما همسـر رئیس‌جمهور آمریکا در کنفرانس بین‌المللی «نوآوری در آموزش» تحت عنوان «سرمایه‌گذاری برای توسعه» در دوحه پایتخت قطر به‌روزرسانی و براساس آن سند ۲۰۳۰ در همان سال - ۱۳ آبان ۹۴ - در مقر یونسـکو در پاریس با حضور وزرای آموزش و پرورش کشورهای عضو از جمله ایران تصویب شد. اوباما خرداد ۹۳ در دانشکده نظامی وست پوینت نیویورک تاکید کرده بود «نهادهای بین‌المللی از سـازمان ملل گرفته تا صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را آمریـکا شـکل داده و این نهادها تقویت‌کننده نیرو و تـوان آمریکا و بخشـی از رهبری آمریکا هستند.» نکته جالب اینجاست که سیاست‌های دکترین امنیت ملی آمریکا با کمک دسـتگاه‌ها و بودجه‌های دولتی در کشور اجرا می‌شود!

در سند ۲۰۳۰ در ظاهر عبارت خوبی مانند آموزش و توسعه پایدار به کار برده شـده، اما آنچه که از نتیجه عملـی آن به دسـت می‌آید تغییر باورهـای مـردم و هماهنگ کردن نسـل آینده با سیاسـت‌های نظام سلطه سرمایه‌داری تحت عنوان نظم جهانی است. همان‌گونه که در دیگر اسناد بین‌المللی سخن از صلح جهانی گفته شده اما نتیجه آن اسناد، جنگ و خونریزی و خشونت در اقصی نقاط جهان است.

به اعتقاد کارشناسـان انحرافات طرح ۲۰۳۰ که به سـلطه فرهنگ غربی می‌انجامد عبارتند از:

۱- تخریب فرهنگ اسـلامی در پرتو معیارهای بین‌المللی غربی
۲- تساوی جنسـیتی و حذف موانع جنسیتی
۳- آموزش‌های جامع جنسی
۴- آموزش حقوق بشر غربی
۵- تسـهیل پایش پدیده حذف اجتماعی در آموزش
۶- تضعیـف فرهنگـی بومی و اسلامی با عنوان «تقویت همکاری و تفاهم بین‌المللی فرهنگی»
۷- آموزش شـهروندی جهانی براساس هنجارهای غربی
۸- حذف فرهنگ ایثار و شهادت به بهانه «دور نگه داشـتن مدارس از خشونت»

محورهای تغییرات نظام آموزشی برای اجرای این سـند عبارت است از: تغییر کتاب‌های درسـی، آموزش معلمان مبتنی بر تفکر غربی و نظارت در جهت حسن اجرای آن. این گزاره بدین معنی است که نهادهای تحت تسـلط قدرت‌های بـزرگ بر تمام مراحل نظام آموزشـی کشور سلطه پیدا می‌کنند. این درحالی است که مفهوم محوری اسـتقلال در انقلاب اسلامی و قانون اساسی کشور اجازه هیچ‌گونه تسـلط توسط بیگانگان را نمی‌دهد.

رهبر فرزانه انقلاب با اشاره به امضای سند ۲۰۳۰ فرمودند: «این سـند ۲۰۳۰ یونسکو و از این قبیل، چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند در برابر آن تسلیم شود. ؟ اصل کار غلط است. اینکه ما برویم سندی را امضا کنیم و بعد هم بیاییم بی‌سروصدا آن را اجرا کنیم؛ نخیر! مطلقاً مجاز نیست؛ اینجا جمهوری اسلامی است.»

قاب دانشگاه

*** تصاویری از دیدار رهبر معظم انقلاب اسلامی با جمعی از معلمان و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان، به مناسبت هفته بزرگداشت مقام معلم - اردیبهشت ۹۶**

دانشگاه در جبهه – ۱۶۳

دانشجوی شهید علیرضا امامی

شـهید علیرضا امامی در ۱۲ فروردین سال ۱۳۴۰ در شهرستان آباده از استان فارس به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در همان شهر و دوره راهنمایی و دبیرسـتان را در تهران گذرانید و در سال ۱۳۵۸ وارد دانشکده کشاورزی کرج شد.

علیرضا از کودکی به مبانی اسلامی آشنا گردید و در راه احیاء آن می کوشید. وی پس از تعطیلی دانشگاه بعد از مدتی بسیج شهرستان آباده را تشـکیل داد و به اتفاق دوستان خود راهی جبهه‌های جنوب شد و در مدتی که در جبهه بود از خود فداکاری‌ها و حماسه‌ها نشان داد تا اینکه در عصر روز ۱۱ دی ۱۳۵۹ به دنبال یک ماموریت بر اثر ترکش راکت در منطقه سلیمانیه به شهادت رسید .

در بخش‌هایی از وصیت‌نامه شـهید دانشـجو «علیرضا امامی» می‌خوانیم:

به نام او که همه چیزم از اوسـت. به نام او که زندگیم در جهت اوسـت. به نام او که زنده به اویم. به نام او که از اویم. به نام او که به اویم. زندگیم به خاطر اوست. شدنم در جهت اوست. بودنم از اوست. رفتن به اوسـت. یادم اوست. جانم اوسـت. معشوقم اوست. معبودم اوست. مقصودم اوست. مرادم اوست. امیدم اوست. احساسش می کنم با قلبم؛ با ذره‌ذره وجودم؛ با تمام سـلول‌هایم احساسش می کنم اما بیانش نتوانم کرد. ای تمام وجودم به یادت هسـتم به یادم باش که بی‌تو هیچ و پوچم...

تریبون آزاد

*** متن زیر گلایه نامه‌ای از طرف دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج می‌باشد که در خصوص تخلفات یکی از اساتید آن واحد، به تحریریه روزنامه ارسال گردیده است. ضمن انتشار این گلایه نامه، سرویس علمی-آموزشـی کیهان، آمادگی خود را جهت انعکاس جوابیه احتمالی از سوی مسئولین آن واحد محترم اعلام می‌دارد.**

احتراما به اسـتحضار می‌رساند فردی به نام دکتر «م-ر» موفق شده است که بدون رعایت ضوابط علمی و آموزشی با مدرک تحصیلی کشاورزی گرایش چوب‌شناسی، دروس مربوط با گروه تخصصی مهندسی مکانیک از جمله مقاومت مصالح را بدون مجوز کمیته علمی سازمان مرکزی از ۳ ترم قبل تدریس نماید. این درحالی است که نه تنها کیفیت تدریس نامبرده، انتقاد بسیاری از دانشـجویان را برانگیخته، بلکه تعاملات خارج از شئون دانشـگاهی ایشان نیز شـائبه‌هایی را در اذهان اساتید و دانشجویان واحد ایجاد نموده اسـت. اگرچه ما دانشجویان، پیش از این با پیگیری‌ها و نامه نگاری‌های فراوان با مسئولین ارشد واحد، این موضوع را گوشزد کرده بودیم اما با توجه به عدم پیگیری مدیران، لاجرم به انعکاس آن از طریق رسانه‌ها شدیم با این امید که بتوانیم صدای اعتراض خود را به گوش مسئولین امر برسانیم و مانع از تداوم این قبیل بی‌قانونی‌ها و تخلفات باشیم.

«جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج»